

دیدگاه

برای خروج از بن بست ، فلسطین به انتخابات دموکراتیک نیاز دارد

نوشته هشام علوی

ترجمه شروین احمدی

پس از شکست توافقنامه اسلو ، «معامله قرن» ایده وجود یک دولت فلسطین را برای همیشه دفن کرد. موج خشونت اخیر که حماس و اسرائیل از آن سود برده اند ، از عوارض این امر است . برگزاری انتخابات عمومی باید اجازه دهد که جنبش متولد شده در بیت المقدس شرقی در همه فلسطین را گسترش یابد.

خشونت مهبی که فلسطین و اسرائیل را در یک ماه اخیر به آتش کشیده است ، حکم مرگ نزدیک به سه دهه روند صلحی را امضا می کند که هرگز نتیجه ای نداد. همه چیز با توافق اسلو آغاز شد ، که نه چارچوبی برای همزیستی واقعی طولانی مدت بین اسرائیلی ها و فلسطینی ها ایجاد کرد و نه اعتماد و اطمینان لازم برای اجرای راه حل دو کشور. علاوه بر این ، با اعطای اختیارات حکمرانی به تشکیلات خودگردان فلسطین ، این توافق نامه که از حمایت جامعه بین المللی برخوردار بود، این تشکیلات را به ژاندارم فلسطین در چارچوب یک اشغال ابدی تبدیل کرد.

شکست های مکرر در راه اندازی مجدد مذاکرات پیرامون راه حل دو کشور در نهایت به «معامله قرن» ختم شد. این پروژه سلطه جویانه دولت ترامپ نشان داد که ایالات متحده هم از کرامت اخلاقی و هم از احترام به حقوق بین الملل چشم پوشی کرده است. آنها به اسرائیل اختیارات کامل دادند تا الحاق غیرقانونی سرزمین فلسطین را رسمیت بخشد و استعمار خود را ادامه دهد. کشورهای عربی درگیر در توافق نامه های ابراهیم به دلایل استراتژیک از وی حمایت کردند ، زیرا اسرائیل به عنوان یک متحد مناسب علیه ایران در پس زمینه خروج ژئوپلیتیک آمریکا از منطقه ظاهر شد.

«معامله قرن» پایه های متزلزل امید صلح ایجاد شده توسط اسلو را ویران ، حقوق فلسطینی ها را نابود و ایده دولت فلسطین را کاملاً محو کرد. موج خشونت اخیر پیامد اجتناب ناپذیر آنست که امکان عادی سازی روابط را بازهم بیشتر از بین می برد و یادآور درگیری های سال ۲۰۰۸ و سال ۲۰۱۴ در غزه ، بین حماس و اسرائیل است.

بازی نابکار حماس و اسرائیل

با این حال ، با نگاهی دقیق تر ، این بحران چیزی بیش از تکرار ساده تاریخ چند سال گذشته است. تحول جدیدی در حال ظهور است: همگرایی منافع حماس و اسرائیل برای در نطفه خفه کردن بسیج مردمی. هم حماس و هم دولت نتانیاهو از آنچه که وقایع شیخ جراح نشان دهنده آن است - پیدایش یک جنبش مدنی برای حقوق فلسطین - هراس دارند. فلسطینیان شیخ جراح مانند بسیاری دیگر از جنبش های اجتماعی ، نافرمانی مسالمت آمیز را بر مبارزه مسلحانه ترجیح داده اند. بعلاوه ، این جنبش به طور

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژوئن ۲۰۲۱

مستقل از حماس (در غزه) و تشکیلات خودگردان (در کرانه باختری) آغاز شد و چارچوب مرجعیت سیاسی بی سابقه ای را برای بسیاری از فلسطینیان بوجود آورد.

این وضعیت نشان دهنده یک پارادوکس تاریخی است. تا همین اواخر، همه در منطقه انتظار داشتند که مسئله فلسطین باعث پویائی بهار عربی شود. اما این روحیه مقاومت مدنی بهار عربی بود که معادلات در فلسطین را دگرگون کرد. مقاومت ساکنان فلسطینی در بیت المقدس شرقی در برابر اخراج اجباری اسرائیل به شبکه های همبستگی افقی ای تکیه دارد که متحد کننده زبانهای جدید مقاومت است. این جنبش با تظاهرات همبستگی در بسیاری از کشورهای عربی و غربی و با فعالیت های فراملی و حمایت بین المللی تقویت شده است.

عدم خشونت این جنبش بود که واکنش خشونت آمیز اسرائیل را در پی داشت، که به نوبه خود منجر به ظهور حماس شد. این سازمان تا زمان وقایع شیخ جراح، تنها نیروی سیاسی مصمم فلسطینی بود که در برابر سرسختی اسرائیل مقاومت می کرد. وضعیت در کرانه باختری بسیار گویا است. علی رغم کشته شدن ۲۵ فلسطینی* - بالاترین تعداد کشته شدگان در یک بحران از زمان انتفاضه الاقصی در بیست سال پیش - اعتراضات در سراسر فلسطین و اسرائیل همچنان ادامه پیدا کرد. ما از زمان اعتصاب عمومی سال ۱۹۳۶ شاهد یک بسیج مردمی با این ابعاد نبوده ایم. از سوی دیگر، از زمان انتفاضه دوم الاقصی، هیچگاه چنین دستگیری وسیعی توسط نیروهای اسرائیلی انجام نگرفته بود: نیروهای امنیتی از ماه آوریل تاکنون هزاران تظاهرکننده فلسطینی را بازداشت کرده اند.

ترس از این بسیج مردمی است که همگرایی منافع را برای حماس و دولت اسرائیل ایجاد می کند. اگرچه هر یک از طرف ها می خواهند دیگری را نابود کند، آنها نه به دلیل درک متقابل بلکه به طور تصادفی

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژوئن ۲۰۲۱

اکنون در مواضع مشترک قرار گرفته اند. اسرائیل به درگیری های خشونت آمیز عادت کرده است ، اما در مقابل واژگان اخلاقی حقوق مدنی کاملاً گیج شده. به همین ترتیب ، دیدگاه ایدئولوژیک حماس مبتنی بر مبارزه مسلحانه است و نه یک جنبش مردمی دموکراتیک ریشه دار در بیت المقدس که گهواره فلسطین تاریخی است.

توافقنامه اسلو با لغو جایگاه سابق سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) به عنوان «جریان تروریستی» ، آنرا به یک نهاد دولتی تبدیل کرد. تمسخر تاریخ روند صلح آنکه حماس نیز ممکن است برچسب «سازمان تروریستی» خود را از دست بدهد زیرا در شرایط فعلی ، اسرائیل مجبور است یک طرف مذاکره پیدا کند.

هم حماس و هم اسرائیل از این خشونت ها سود برده اند. دولت اسرائیل با تأکید بر حق دفاع از خود ، بر استراتژی اش در جهت نظامی سازی مسئله فلسطین صحنه گذاشته است. حتی کسانی که خود را به عنوان بدیل سیاسی برای نتانیاهو معرفی می کنند مانند بنی گانتز، از بمباران غزه حمایت کرده اند. در همین حال ، حماس در مقابل خطر تبدیل شدن به نسخه فلسطینی حزب الله قرار دارد. این درگیری باعث شد که این سازمان از جایگاه یک سازمان مقاومت ملی به جایگاه یک قدرت نظامی برسد که ظرفیتهای مسلحانه آن بتواند بدون هیچ گونه نگرانی در مورد منافع مردمش ، در خدمت روحیه آخر زمانی و فراملی قرار گیرد. هیچ یک از بازیگران واقعاً به دنبال راه حل صلح آمیز نیستند. آنها در چارچوب یک صحنه سازی مداوم ، با خطوط قرمز مشخص شده برای هر طرف ، یکدیگر را به صورتی انحرافی و نابکار تقویت می کنند.

چه کسی از جنایت سود می برد ؟

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژوئن ۲۰۲۱

چندین بازیگر منطقه ای با درگیری جایگاه خود را تقویت کرده اند. محور قطر - ترکیه که در برابر محور امارات متحده عربی - سعودی - اسرائیلی قرار دارد ، به سرعت به عنوان مدافع فلسطین ظاهر شد. بخصوص رجب طیب اردوغان در جهان اسلام به دلیل شعارهای مبارزاتی علیه اسرائیل و دعوت مذهبی برای محافظت از ساکنان فلسطینی بیت المقدس در برابر حملات بعدی ، مورد ستایش قرار گرفت. و امیر قطر عهده دار نقش محافظ مردم فلسطین شده است.

مصر و اردن نیز به لطف بحران ، با تلاش خود در مذاکره در مورد آتش بس ، در صحنه بین المللی حضور یافتند. اردن مجبور بود با توجه به شرایط پیچیده ای که پادشاهی هاشمی در آن قرار دارد ، دست به اقدام بزند. سلطنت که همچنان متولی اماکن متبرکه در بیت المقدس است ، از پرداخت هزینه های سنگین با بعهده گرفتن نقش یک دولت جانشین برای فلسطینی ها ، هراس دارد. مصر عبدالفتاح السیسی ، به نوبه خود ، بین دفاع از فلسطین و میانجیگری بی طرفانه دوران مبارک در نوسان است.

دیگر قدرت های بین المللی در این بحران بسیار بد عمل کردند. ایالات متحده با بعهده گرفتن نقش داور صلح خود را بیشتر به حاشیه راند و احتمال بازیابی مجدد این نقش در آینده را زیر سوال برد. مداخلات مکرر دولت بایدن برای خاتمه گفتگوهای شورای امنیت سازمان ملل متحد که خواستار آتش بس بود ، روشن ساخت که نفوذ دیپلماتیک این کشور محدودیت های جدی دارد و از همه مهمتر ، نمی خواهد سیاست رفتار استثنائی خود در مورد اسرائیل را زیر سوال ببرد.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژوئن ۲۰۲۱

اتحادیه اروپا (اتحادیه اروپا) عملکرد بهتری نداشت و تنها یک هفته پس از آغاز خشونت‌ها قادر به هماهنگی اقدامات جمعی در میان کشورهای عضو خود شد و نتوانست کاری بیش از یک درخواست بزدلانه برای صلح انجام دهد. اتحادیه اروپا همچنان در سایه ایالات متحده قرار دارد.

در جهان عرب، امارات متحد عربی غافلگیر شد، زیرا بر نابودی هرگونه توانائی شورش فلسطینیان حساب باز کرده بود. پس از مذاکرات منجر به توافق نامه ابراهیم در سال گذشته، امارات برای کمک به آغاز دوره جدید صلح چند جانبه مورد تقدیر قرار گرفت. با این حال، بحران اخیر به روشنی نشان داده که معامله امارات با اسرائیل نه اهرمی برای پیشبرد مسئله فلسطین بلکه ابزاری استراتژیک برای همکاری دو جانبه در مورد مسائل منطقه ای است. درحالی که صداها غیررسمی در رسانه های اجتماعی گفتمان دفاع از خود اسرائیل را منعکس می کردند، دولت امارات متحده عربی داوطلب میانجیگری میان حماس و اسرائیل شد. هرچند در نهایت این کار با ابتکار مصر و اردن انجام و امارات در حاشیه قرار گرفت.

با این وجود امارات یک کارت مهم برای بازی دارد: محمد دهلان، رهبر سابق فتح در غزه و رقیب سرسخت محمود عباس که هدف حمله فتح است. حماس به دهلان، که پایگاه خود در غزه را حفظ کرده، مشکوک است زیرا او در گذشته از این سازمان اسلامی انتقاد کرده است. دهلان می تواند با پشتیبانی امارات وارد بازی شود.

عربستان و ایران در حاشیه بحران باقی مانده اند که به وضوح نشاندهند نقاط ضعف آنهاست. عربستان سعودی اکنون با احتیاط بیشتری عمل می کند و به دنبال یافتن تعادل جدیدی بین منافع ملی و منطقه

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژوئن ۲۰۲۱

ای خود است. طغیان مردمی ای که احساسات طرفدار فلسطین را دوباره زنده کرد کافی بود تا حداقل به طور موقت از علاقمندی نیمه پنهان ریاض برای عادی سازی روابط با اسرائیل بکاهد.

ایران با معضل دیگری روبرو است: این کشور در منطقه بسیار کارآمد شده است. رژیم ایران فناوری موشکی خود را به حماس منتقل کرد، و این سازمان توانست با اقتباس از آن توانائی جنگی خود را تقویت و موشکهایی را تولید کند که امروز از آن ها استفاده می کند. اما حماس به محور شیعه نیپوسته و ماندن در خانواده سنی را انتخاب کرده، زیرا از لحاظ تاریخی، شاخه ای از اخوان المسلمین مصر است. بنابراین ایران نتوانسته از درگیری های اخیر در جهت اهداف ژئوپلیتیک بهره برداری کند. علاوه بر این، هیچ واکنش نظامی از سوی حزب الله در جریان بمباران غزه رخ نداد، که می توانست نشان دهنده میل ایران به تشدید درگیری نظامی باشد. در عوض، تهران خود را بیشتر در زمینه تحکیم نیروهای خود در عراق و تلاش برای توافق هسته ای جدید با غرب متمرکز کرده است.

انتخابات به عنوان تنها راه حل

این تغییر چشم انداز منطقه ای و همگرایی حماس و اسرائیل بیشتر فلسطینیان را در وضعیتی ناامید کننده قرار می دهد. با این حال بهترین راه برای برون رفت از بحران برگزاری انتخاباتی است، که توسط حماس و فتح به تاخیر انداخته شده. هیچ یک از بازیگران از ترس از دست دادن اختیارات ارضی خود نمی خواهند چنین انتخاباتی را سازمان دهند: حماس از آن می ترسد که غزه در دست فتح بیفتد و فتح از آنکه حماس در کرانه باختری پیروز شود.

ماهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی: ژوئن ۲۰۲۱

با این حال، انتخابات با دادن یک مزیت اساسی به مردم فلسطین به آنها امکان می دهد با مبارزات بزرگ حقوق بشر در جهان پیوند برقرار کنند، از نلسون ماندلا گرفته تا «جان سیاه پوستان مهم است». انتخابات به آنها یک دولت قانونی اهدا می کند که می تواند نماینده فلسطین در جهان باشد و راه حل دو کشور یا هر وضعیت معتبر دیگری را دوباره فعال کند. این امر امکان می دهد که صداهای جدید فلسطینیان، مانند فعالان جوان و جنبش های اجتماعی که در اطراف جنبش شیخ جراح گرد آمده اند، جایگزین نخبگان پا به سن گذاشته ای شوند که از زمان توافق اسلو بر آنها حکومت می کنند. این امر همچنین به ظهور یک گزینه جایگزین سیاسی فلسطینی کمک و از تسلط حماس و یا فتح بر دولت آینده جلوگیری می کند. حماسی که می تواند این دولت را به یک حزب الله فلسطینی تبدیل کند و یا فتحی، که همچنان زندانی در آمد رانتی باقی می ماند و می تواند به نقش ژاندارم نیابتی اش ادامه دهد.

در این جاست که جامعه بین جهانی می تواند در مسیری درست گام بردارد. هیچ نوع محکومیت دیپلماتیک اسرائیل به روند اشغال و الحاق پایان نخواهد داد و هیچ تحریم یا تهدیدی حماس را متقاعد نمی کند که رفتار نظامی خود را کنار بگذارد. برعکس، جامعه جهانی باید برای رساندن صدای اکثریت خاموش، از برگزاری انتخابات دموکراتیک در فلسطین حمایت کند تا بدین ترتیب بن بست سیاسی را بشکند و راهی جایگزین برای تأمین حقوق ملت فلسطین فراهم شود.

* بر تعداد قرانیان فلسطینی پس از نوشتن این مقاله افزوده شد.